

تحلیل و بررسی تنوع واژگانی در آبادی های شهرستان خرم آباد

رضا امینی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۰۶

چکیده

داده های این پژوهش از اطلس زبانی استان لرستان اقتباس شده که در قالب اصطلاحات خویشاوندی، واژه های مربوط به عینیت های طبیعی، واژه های مرتبط با بدن انسان، نام حیوانات، واژه های مربوط به گیاهان، واژه های مربوط به عینیت های انسان ساز، ضمیرها، قیده های اشاری- مکانی و ادات پرسشی و عددها دسته بندی شده اند. گونه های زبانی آبادی هایی که داده های آنها بررسی و تحلیل شده اند، از زبان های لری و لکی هستند که داده های هر یک به صورت جداگانه بررسی و تحلیل شده است. پیکره بررسی شده، هم تنوع در خور توجه زبانی شهرستان خرم آباد را نشان می دهد و هم تنوع واژگانی گونه های زبانی آبادی های این شهرستان را. یافته های پژوهش نشان می دهد که در هر دو زبان لری و لکی، مقوله واژگانی «عددها» کمترین ضریب تنوع، و مقوله واژگانی «عینیت های انسان ساز» بیشترین ضریب تنوع را در میان مقوله های واژگانی بررسی شده داشته اند. همچنین بررسی داده ها نشان می دهد که واژه هایی همچون «پدر»، «زبان»، «نان» و «خون» کمترین تنوع را در گونه های زبانی بررسی شده داشته اند، و از این رو آنها را باید از بنیادی ترین واژه های این گونه های زبانی دانست.

واژگان کلیدی: گونه زبانی، ضریب تنوع، لری، لکی، تنوع زبانی، لرستان

۱- مقدمه

در زبان‌شناسی اجتماعی^۱، گویش‌شناسی به دو نوع منطقه‌ای و اجتماعی تقسیم شده‌است. هدف گویش‌شناسی منطقه‌ای^۲، شناسایی، مطالعه و مستندسازی^۳ گونه‌های زبانی موجود در منطقه مشخصی است، و هدف گویش‌شناسی اجتماعی^۴ انجام همین کارها دربارهٔ زبان طبقات مختلف جامعه است. بر این مبنا، گویش‌ها را نیز می‌توان به دو دستهٔ گویش‌های منطقه‌ای^۵ و گویش‌های اجتماعی^۶ تقسیم کرد (وارداف^۷، ۱۳۹۳: ۹۰). گویش‌شناسی اجتماعی، در شهرهای بزرگ که مهاجرت و تفاوت‌های اجتماعی و طبقاتی، تنوع‌های زبانی گوناگونی را موجب شده، بسیار آموزنده است و حتی می‌تواند برنامه‌ریزان شهری را در ادارهٔ بهتر شهر یاری کند. گویش‌شناسی منطقه‌ای نیز، به دلیل گردآوری و ثبت و مستندسازی گونه‌های زبانی روستاها که به طور معمول دست‌نخورده‌تر و محافظه‌کارتر از گونه‌های زبانی شهرها هستند، به لحاظ زبان‌شناسی پُراهمیت است، و مادهٔ خام انجام دیگر کارهای زبان‌شناسی را برای پژوهشگران فراهم می‌کند. گذشته از اینها، از بین رفتن روستاها یا تبدیل آنها به محیط‌های شهری، که در چند دههٔ اخیر، در موارد زیادی، به ناپدید شدن گونه‌های زبانی روستاها انجامیده، مستندسازی گونه‌های زبانی موجود در روستاها را، به عنوان بخشی از کارِ گویش‌شناسی منطقه‌ای، ضروری‌تر کرده‌است.

در ایران، از چند دههٔ پیش، پژوهشگران به اهمیت ثبت داده‌های گویشی پی برده‌اند. توجه به اهمیت گردآوری داده‌های گویشی، نگارش کتاب‌های ماندگاری همچون «راهنمای گردآوری گویش‌ها» (کیا، ۱۳۴۰) را در پی داشته که در آن ضمن توجه به حفظ گویش‌ها، و طرح این واقعیت که بسیاری از آنها در آیندهٔ نه‌چندان دور، دیگر وجود نخواهند داشت، دستورعمل‌ها و پرسش‌نامه‌های لازم برای گردآوری داده‌های گویشی نیز ارائه شده‌است. نیاز به تهیهٔ اطلس زبانی^۸ ایران نیز از چند دههٔ پیش احساس شده‌است. برای نمونه، حصوری (۱۳۴۲: ۶) می‌گوید: «از کارهای مهمی که هنوز در کشور ما و بسیاری از کشورها انجام نشده

1. sociolinguistics
2. regional dialectology
3. documentation
4. social dialectology
5. regional dialects
6. social dialects
7. Ronald Wardhaugh
8. linguistic atlas

تهیه اطلس گویش‌ها و ارتباط و سنجش گویش‌ها با محیط‌های جغرافیایی است که امید است این کار بدست خود ما انجام گیرد».

یکی از استان‌هایی که پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری گردآوری داده‌های آبادی‌های آن را برای تهیه اطلس زبانی ایران آغاز کرد، لرستان است. برمبنای این داده‌ها، در این پژوهش، تنوع واژگانی گونه‌های زبانی آبادی‌های شهرستان خرم‌آباد را که یکی از شهرستان‌ها و مرکز استان لرستان است تبیین می‌کنیم. شهرستان خرم‌آباد متشکل از بخش‌های پایی، چغلوندی، زاغه و مرکزی است^(۱). بخش پایی متشکل از دهستان‌های چم‌سنگر، سپیددشت، کشور، گریت و تنگ هفت؛ بخش چغلوندی متشکل از دهستان‌های بیرانوند جنوبی و بیرانوند شمالی؛ بخش زاغه متشکل از دهستان‌های رازان، زاغه و قائدرحمت؛ و بخش مرکزی متشکل از دهستان‌های ازنا، ده‌پیر جنوبی، ده‌پیر شمالی، رباط، کارگاه غربی، کارگاه شرقی و کاکاشرف است. آبادی‌هایی که در این پژوهش، داده‌های آنها بررسی شده‌است، عبارت‌اند از:

در بخش مرکزی، آبادی‌های «اسکین سفلی»، «بایه دو»، «تجره‌سادات»، «تکانه»، «چشمه‌پایی»، «دره‌ساکی بالا»، «دره‌ساکی پایین»، «دره قاسمعلی»، «دلی زالبک»، «ده نوروز»، «سراسران»، «شیخ حیدر»، «گراب تجره»، «محمودوند»، «مهرعلی خانی»، «هوکی»، «تکانه»، «هولاندشت» و «وره زردی»، از دهستان «ده‌پیر شمالی»؛ آبادی‌های «بابامحمود علیا»، «بابامحمود وسطی»، «چاله کمالوند»، «حسن‌آباد کمالوند»، «در بند فقیران کمالوند»، «علی‌آباد چاهی»، «کرگانه»، «کمالوند غلامعلی»، «گیرچان»، «مدبه»، «ملک‌آباد» و «مهدی‌آباد»، از دهستان «ده‌پیر جنوبی»؛

در بخش پایی، آبادی‌های «تنگ هفت»، «سرور»، «سیرم بالا»، «سیرم سفلی» و «لری» از دهستان «تنگ هفت»؛ آبادی‌های «ایستگاه کشور»، «کشور»، «بردگر»، «دفکاندر»، «پیوست»، «سنگ‌تراشان»، «شاه بزرگ خانی»، «لم درویش»، «پیل‌گر»، «تیک»، «چنار چول»، «پیرمحمد باباحسین» و «دوش سرخ» از دهستان «کشور»؛ آبادی‌های «ایروه»، «سماق‌ها»، «پرت بیل»، «چشمه پریان»، «چشمه دره»، «شباندر»، «چل ریز»، «لازگیره»، «گازه»، «چم شکر»، «خان‌آباد» و «بیشه» از دهستان «سپیددشت»؛ آبادی‌های «برآفتاب علی‌عسگر»، «بردلوسه»، «دره هندیان»، «موراز موسی»، «خانقا»، «پشت کُره» و «کلنگر»، از دهستان «چم سنگر»؛ آبادی‌های «پری مرده»، «قلعه خانجان»، «زالیاب»، «نامی‌انگیز»، «برم علیا»، «حاجالی»، «سرگ سیر»، «سینو بالا»، از دهستان «گریت»؛

در بخش زاغه، آبادی‌های «آبکت»، «باغ پشم»، «رنگرزان وسطی»، «سرگرفته علیا»، «عیوشان سیل»، از دهستان رازان؛ و در بخش چغولندی، «باقلاکوب»، «بند جوب»، «پاره‌پینه خلیل بیگی»، «حاجی‌آباد»، «خمسیانه ریش سفید»، «خمسیانه وسطی»، «دره بسر»، «دره بیژن»، «دره ساکی»، «دره نوسوکی»، «زرین جو»، «سراب الیاس»، «سراب علی نقی»، «سراب ملاقربانی»، «سرگول نمک»، «سیاه چل»، «سیاه گل شاه عباسی»، «شرفبک»، «قلعه منصور»، «قنات کاسیان»، «گرز کل»، «گولاب وسطی»، «ملاقربانی»، «هرکو»، «وروندی کوچک»، «وروندی بزرگ»، «کاسیان ایازآباد» و «کاسیان قلعه»، از دهستان «بیرانوند جنوبی».

۲- شیوه گردآوری داده‌ها و روش‌شناسی پژوهش

داده‌های این پژوهش، در یک کار میدانی گسترده، با ابزار پرسش‌نامه و با مصاحبه رودرو با گویشوران گردآوری شده‌اند. پرسش‌نامه دربردارنده مجموعه‌ای واژه و جمله بوده‌است. این واژه‌ها و جمله‌ها به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که هم مقوله‌های واژگانی^۱ مختلف گونه زبانی^۲ موردنظر استخراج شود، و هم ساختارهای زبانی مختلف آن. داده‌ها در خلال مصاحبه - با آگاهی گویشور - ضبط شده‌اند؛ سپس داده‌ها با بهره‌گیری از الفبای آوانگار بین‌المللی^۳، موسوم به آی‌پی‌آی^(۴) آوانویسی شده‌اند. در مرحله بعد، بخش واژگانی داده‌های آبادی‌های شهرستان خرم‌آباد، از بخش جمله‌های آن جدا شده، و در این پژوهش، تنوع واژگانی آنها به صورت توصیفی و تحلیلی بررسی شده‌است. بررسی جمله‌های گردآوری شده نیازمند انجام پژوهش‌های دیگری است. هدف اصلی پژوهش کنونی، بررسی تنوع واژگانی در آبادی‌های شهرستان خرم‌آباد، و بیان تلویحاتی است که این تنوع بدان‌ها اشاره دارد.

۳- مبنای نظری پژوهش

گیرارتز^۴ و همکاران (۱۹۹۴: ۳-۴)، تنوع واژگانی را به چهار دسته تقسیم‌بندی کرده‌اند: تنوع دلالت‌شناسانه^۵، تنوع تسمیه‌شناسانه^۶، تنوع صوری^۱ و تنوع بافتی^۲. تنوع دلالت‌شناسانه

1. lexical categories

2. language variety

3. International Phonetic Alphabet

4. Geeraerts

5. semasiological variation

6. onomasiological variation

وضعیتی است که در آن «عنصر واژگانی مشخصی به مصداق‌های مجزایی اشاره داشته باشد». تنوع تسمیه‌شناسانه، وضعیتی است که در آن «یک مصداق یا نوعی از مصداق با بهره‌گیری از مقوله‌های واژگانی مجزایی که مفاهیم مختلفی دارند، نام‌گذاری می‌شود». منظور از تنوع صوری، موقعیتی است که در آن «یک مصداق خاص یا نوعی از مصداق را می‌توان با بهره‌گیری از اقلام واژگانی متفاوتی نام‌گذاری کرد، فارغ از آنکه آیا این اقلام واژگانی به مقولات مفهومی متفاوتی تعلق دارند یا نه». تنوع بافتی به موقعیتی اشاره دارد که در آن تنوع در کاربرد اقلام واژگانی «با عوامل بافتی، همچون میزان رسمیت^۳ موقعیت گفت‌وگو، یا مشخصات جغرافیایی و اجتماعی شرکت‌کنندگان تعامل ارتباطی^۴ مورد نظر پیوند دارد». در فصل‌های هفت و هشت گیرارتز (۲۰۱۸) نیز به تنوع واژگانی به عنوان متغیری زبانی-اجتماعی^۵ نظر شده و نویسنده در پی ارائه راه‌هایی برای اندازه‌گیری آن برآمده است.

تنوع واژگانی مورد نظر این پژوهش، از نوع «تنوع صوری» است. در این نوع از تنوع واژگانی، به یک چیز، رابطه یا مفهوم مشخص، ممکن است با اقلام واژگانی متفاوتی اشاره شود. برای نمونه، در فارسی افغانستان، به آن رابطه خویشاوندی که در فارسی ایران با اصطلاحات «بابابزرگ» یا «پدربزرگ» اشاره می‌شود، با اصطلاح «باباکلان» اشاره می‌شود. تنوعاتی از این دست در گونه‌های مختلف همه زبان‌ها دیده می‌شود و آنها را می‌توان با توجه به عوامل اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سبکی و قرار داشتن گویشوران زبان‌ها در موقعیت تماس زبانی تبیین کرد.

۴- پیشینه پژوهش

لُری و لکی دو زبان عمده استان لرستان‌اند. لُری در شمار زبان‌های ایرانی جنوب غربی، و لکی در شمار زبان‌های ایرانی شمال غربی قرار دارد. «واژه لُر ... برای اولین بار حدود هزار سال پیش در نوشته‌های بعضی جغرافی‌نویسان و مورخین اسلامی قرن چهارم هجری به صورت لاریه، اللریه، لور، اللور، و لوریه آمده است» (امان‌الهی بهاروند، ۱۳۷۹: ۲۲۲). منطقه رواج لُری شامل بخش‌هایی از باختر و جنوب باختری ایران و بخشی از جنوب خاوری عراق است؛ اما در مناطق دیگر ایران، از جمله خراسان، کرمان، قزوین و تهران نیز گویشوران این زبان زندگی

1. formal variation
2. contextual variation
3. formality
4. participants of communicative interaction
5. sociolinguistic variable

می‌کنند. گروه‌هایی از لرها در ترکیه، آلمان، دانمارک، نروژ، پادشاهی متحده بریتانیا^۱، کانادا و ایالات متحده آمریکا نیز زندگی می‌کنند (آنونبی^۲، ۲۰۰۳: پانوش ۳).

لرها به طور سنتی به «لر بزرگ» و «لر کوچک» تقسیم شده‌اند. لر بزرگ «... همه طایفه‌های بختیاری را دربرمی‌گیرد»، و لر کوچک «لرهای لرستان و خوزستان را» (کلکی و همکاران، ۱۳۴۳: ۲). پشت‌دار (۱۳۷۶: ۱۶۳) پیشینه تقسیم لرها، به «لر بزرگ» و «لر کوچک» را به «عهد مغول» مربوط می‌داند، و اشاره می‌کند که «از زمان صفویه^۳ به بعد منطقه لر بزرگ به بختیاری و کهگیلویه موسوم گردید. منطقه لر کوچک نیز از قرن شانزدهم میلادی به لرستان معروف شد و برای احتراز از اشتباه [با لر بزرگ] آنجا را لرستان فیلی خواندند». جغرافیای بختیاری‌نشین ایران، بخش گسترده و به هم پیوسته‌ای از خاور استان خوزستان، باختر استان اصفهان، جنوب و خاور استان لرستان و باختر استان چهارمحال و بختیاری را در بر می‌گیرد.

در برخی متن‌های گذشته، در اشاره به «لرها»، تبیین‌هایی بر چرایی نامیدن این بخش از مردمان ایرانی به این نام ارائه شده‌است. برای نمونه، حمدالله مستوفی (سده هفتم و هشتم هجری) در «نزهةالقلوب» بارها از «لر» و «لرستان» نام برده که نشان می‌دهد، در آن دوره، لرها و منطقه سکونت‌شان شناخته بوده‌اند. همین نویسنده، در «تاریخ گزیده»، به نقل از «زبده‌التواریخ» جمال‌الدین عبدالله کاشانی (درگذشته در ۷۳۶ هجری قمری)، آورده‌است:

... وقوع [این اسم بر آن] قوم، بوجهی گویند از آن است که در ولایت مانرود دهی است که آن را کرد خوانند و در آن حدود بندی که آن را بزبان لری کول خوانند و در آن بند موضعی که آن را لر خوانند. چون در اصل ایشان از آن موضع برخاسته‌اند، از آن سبب ایشان را لر گفته‌اند. وجه دوم آنکه بزبان لری، کوه پردرخت را لر گویند بکسر راء. بسبب ثقالت ری کسره لام را بضمه بدل کردند و لر گفتند. وجه سیوم آنکه شخصی که این طایفه از نسل اواند، لر نام داشته و قول اول درستتر می‌نماید و هر چیز که در آن ولایت نبوده بزبان لری نام دارد و بمجاز از نقل زبانی دیگر نامی بر آن اطلاق کرده‌اند (مستوفی، ۱۳۹۴: ۵۳۷).

زبان لری گونه‌های مختلفی دارد، چنانکه آنونبی (همان: ۱۷۱) از خوشه زبانی^۴ لری سخن می‌گوید. او به نقل از گرایمس^۴، لری را در شاخه جنوب غربی زبان‌های ایرانی قرار داده‌است، و آن را با زبان‌های دیگری همچون کومزاری، لاری، آیماق، دهواری، هزارگی، پهلوانی و تاتی

1. United Kingdom
2. Erik John Anonby
3. language cluster
4. Grimes

یهودی و تاتی مسلمانی مرتبط می‌داند. او همچنین اشاره می‌کند که گرایمس، لکی را گونه‌ای از لری می‌داند، اما ویندفور^۱ آن را در شمار زبان‌های ایرانی شمال غربی و در کنار زبان‌هایی همچون کُردی دسته‌بندی می‌کند. این پژوهشگر، پس از بررسی این موضوع که آیا لری گویشی است از فارسی یا زبانی است جدا، در نهایت لری را پیوستاری از سه زبان معرفی می‌کند: «لُرستانی»، «بختیاری»، «لُری جنوبی». «لُرستانی»، شامل گونه‌های لُری می‌شود که در شهرهایی همچون خرم‌آباد، بروجرد، نهاوند و اندیمشک به کار می‌رود. «بختیاری»، شامل گونه‌های زبانی ایل‌های هفت‌لنگ و چهارلنگ و گویش‌های چلگردی و کوه‌رنگی می‌شود که در شهرهایی همچون مسجدسلیمان و شهرکرد گفت‌وگو می‌شوند و «لُری جنوبی» شامل گونه‌های زبانی بویراحمدی، کوهگیلویه‌ای، ممسنی و شولی می‌شود که در شهرهایی همچون یاسوج، دهدشت، نورآباد و شول به کار گرفته می‌شوند (همان: ۱۸۲-۱۸۴).

لُکوک^۲ (۱۳۹۳: ۵۶۳) نیز دربارهٔ گویش‌های لُری گفته‌است: «... به چند گونهٔ مختلف تقسیم می‌شوند... الف. گویش‌های لُر بزرگ: گویش‌های ممسنی‌ای و کهگیلویه‌ای، که در فارس رواج دارند؛ ب. گویش بختیاری، که در ناحیه‌ای گسترده‌تر، از غرب اصفهان تا دزفول و شوشتر، رواج دارد؛ ج. گویش لُر کوچک: گویش فیلی، که مرکز فرهنگی آن خرم‌آباد است». لکوک از گونه‌های دیگری از لری هم نام برده و به ادبیات شفاهی نسبتاً پُر بار^(۴) گویش بختیاری اشاره کرده‌است (همان). نکتهٔ مشخصی که در دسته‌بندی‌هایی از نوع دسته‌بندی لکوک و حتی آنونبی آشکار است، این است که آنها گویش‌های لُری را با توجه به گروه‌بندی‌هایی همچون «لُر بزرگ» و «لُر کوچک» دسته‌بندی کرده‌اند که ماهیت قومی و جغرافیایی دارد، و بر معیارها یا ویژگی‌های زبانی استوار نیست.

امان‌الهی بهاروند (۱۳۹۳: ۴۷-۵۲) اشاره کرده که «لُرها به دو زبان لری و لکی صحبت می‌کنند...»، اما او لکی را در شاخهٔ «زبان‌های شمال غربی» و لری را در شاخهٔ «زبان‌های جنوب غربی» ایرانی جای داده‌است که این نشان می‌دهد او تبار قومی لُرها و لک‌ها را یکی می‌داند، هرچند که زبان‌هایشان به دو شاخهٔ مختلف از زبان‌های ایرانی تعلق داشته باشند. مک‌کاروس^۳ (۲۰۰۹: ۵۸۷) در تقسیم‌بندی که از زیرگروه‌های زبان کُردی به دست داده، «ایل‌های لک منطقهٔ پیش کوه زاگرس، در میان کرمانشاه، خرم‌آباد و کنگاور» را در زیرگروه «کُردی جنوبی» قرار

1. Windfuhr

2. Pierre Lecoq

3. Ernest N. McCarus

داده که با توجه به منبعی که ذکر کرده، چنین می‌نماید که نظر او متأثر از دیدگاه فتاح (۲۰۰۰) در این زمینه است، هرچند سابقه قرار دادن زبان لکی در شمار «گویش‌های» کردی را در آثار سده ۱۹ پژوهشگران اروپایی نیز می‌توان دید^(۵). اما آنوبی (۲۰۰۴/۲۰۰۵: ۸)، با توجه به پیوندهای زبانی و فرهنگی لک‌ها کوشیده است به این پرسش که «آیا لکی کردی است یا لری؟»، پاسخ دقیق‌تری دهد: «... اگرچه لک‌ها به لحاظ قومی با لرهای لرستان پیوند دارند، زبان متمایز آنها در شمار زبان‌های ایرانی شمال غربی قرار دارد و رابطه ژنتیکی نزدیکی با کردی دارد». در همین پژوهش، آنوبی لک‌های پیش‌کوه را شامل لک‌های استان لرستان و برخی مناطق همجوار آن معرفی می‌کند، و لک‌های پشت‌کوه را شامل لک‌های استان‌های ایلام و کرمانشاه و مناطقی از عراق در طول مرز این کشور با استان ایلام معرفی می‌کند. «لک‌های پیش‌کوه همانندی‌های بسیار زیادی با لرها دارند، و لک‌های پشت‌کوه، پیوندهای فرهنگی بسیار زیادی هم با لرها و هم با کردها دارند» (همان). آنوبی همچنین اشاره کرده که ۷۸ درصد از عناصر واژگانی لکی پیش‌کوه با لری خرم‌آبادی مشابه است (همان: ۱۶)^(۶).

۵- تحلیل و بررسی داده‌های پژوهش

لری و لکی به عنوان دو زبان عمده شهرستان خرم‌آباد در قالب گونه‌های مختلفی به کار می‌روند. برای نمونه، لری در قالب گونه‌هایی همچون «بختیاری» و «لری بالاگریوه» نمود پیدا می‌کند^(۷). از سوی دیگر، با وجود آنکه پراکنش زبان لکی بیشتر در شمال و شمال باختری شهرستان خرم‌آباد دیده می‌شود (دهستان‌های رازان، ده‌پیر جنوبی، بیرانوند جنوبی، بیرانوند شمالی، ده‌پیر شمالی، رباط و بخش شمالی دهستان زاغه)، و پراکنش لری در قسمت‌های دیگر این شهرستان، مرز قاطعی میان منطقه جغرافیایی کاربرد لکی و لری نمی‌توان کشید و کاربرد هر دو را در کنار هم در مناطقی از شهرستان می‌توان دید^(۸). همین نکته را درباره پراکنش گونه‌های زبان لری نیز می‌توان مطرح کرد، به‌طوری که با وجود آنکه منطقه عمده پراکنش لری بختیاری جنوب خاوری شهرستان (دهستان‌های سپیددشت و چم‌سنگر) است، در همین منطقه گونه‌های دیگر زبان لری نیز گفت‌وگو می‌شوند (نک. زرین‌جویی، ۱۳۹۶). از سوی دیگر، در برخی از آبادی‌های خرم‌آباد بیش از یک گونه زبانی به کار می‌رود؛ چنان‌که گاهی در یک آبادی هم لری به کار می‌رود هم لکی (برای نمونه، «باغ پشم» در دهستان رازان بخش زاغه، و «تکانه» و «بابامحمود علیا» به ترتیب از دهستان‌های ده‌پیر شمالی و ده‌پیر

جنوبی بخش مرکزی). در برخی از آبادی‌ها نیز هم لری به کار می‌رود هم بختیاری (برای نمونه، «ده‌نسر» از دهستان سپیددشت بخش پاپی).

داده‌های این پژوهش از نوع فهرست واژگانِ سوادش^۱ (نک. سوادش، ۱۹۷۱) هستند. در این مقاله، تنوع جغرافیایی داده‌ها بررسی شده و اثر سبک، جنسیت و طبقه بر تنوع داده‌ها بررسی نشده‌است. داده‌ها برای هر یک از دو زبان گفته‌شده، در قالب اصطلاحات خویشاوندی، واژه‌های مربوط به عینیت‌های طبیعی، واژه‌های مرتبط با بدن انسان، نام حیوانات، گیاهان، عینیت‌های انسان‌ساز، مقوله‌ی ضمیرها، قیده‌های اشاری - مکانی و ادات پرسشی و عددها دسته‌بندی شده و با بهره‌گیری از نرم‌افزار اکسل و تابع COUNTIF^(۹) - که از آن می‌توان برای شمارش سلول‌های دارای شرطی خاص در هر پژوهش علمی، از جمله پژوهش‌های زبان‌شناسی، بهره گرفت - فراوانی آنها در دو زبان مورد نظر تعیین شده‌است. منظور از «سلول‌های دارای شرطی خاص»، همانند بودنِ عناصر بررسی‌شده است.

از آنجاکه موضوع بررسی این پژوهش «تنوع واژگانی» است، در تحلیل‌ها تفاوت‌های آوایی واژه‌ها لحاظ نشده‌است (برای نمونه، «پدر» برابرهایی همچون /bowæ/ و /boʔæ/ در داده‌ها دارد که تجلی‌های آوایی واژه واحدی هستند)، مگر آنکه تفاوت آوایی آنقدر زیاد باشد که گویی با واژه دیگری روبه‌رو هستیم که در این موارد تجلی‌های یک واژه با خط فاصله از هم جدا شده‌اند (برای نمونه، /xowæɪ/ - /xozæɪ/ به معنای «خواهر»). همچنین، بر پایه‌ی رابطه‌ی $C_v = \frac{\sigma}{\mu}$ ، ضریب تنوع C_v در هر مقوله محاسبه شده‌است. ضریب تنوعی عددی است بین صفر تا یک. هرچه این عدد به یک نزدیک‌تر باشد، تغییر در تنوع اعضای مقوله‌ای که ضریب تنوع آن محاسبه شده، بیشتر است. در رابطه‌ی مذکور، σ (سیگما) انحراف معیار و μ (میو) میانگین داده‌هاست. در ادامه، داده‌های مربوط به هر یک از مقوله‌های واژگانی گفته‌شده در قالب جدول‌هایی ارائه و تحلیل می‌شود. در این جدول‌ها، داده‌های لری و لکی از یکدیگر جدا شده‌اند؛ و در آنها «ت. و. لری» یعنی «تحقق واژگانی در لری»، «ت. و. لکی» یعنی «تحقق واژگانی در لکی». چگونگی محاسبه‌ی ضریب تنوع هر مقوله‌ی واژگانی، با کاربرد فرمول گفته‌شده، درباره‌ی لری در مقوله‌ی نخست (اصطلاحات خویشاوندی) به تفصیل توضیح داده شده، اما درباره‌ی مقوله‌های واژگانی دیگر به ارائه‌ی ضریب تنوع هر یک از دو زبان به صورت جدا و با هم بسنده

1. Swadesh wordlist

شده‌است، چراکه محاسبه تفصیلی آن درباره تمامی مقوله‌های واژگانی موجب افزایش بیهوده حجم مقاله خواهد شد.

۵-۱- اصطلاحات خویشاوندی

در مقوله اصطلاحات خویشاوندی، تنوع واژگانی در دو زبان لری و لکی به صورتی است که در جدول ۱ آمده‌است. میانگین برای داده‌های لری این مقوله ۲,۴۱۱۷، انحراف معیار برای داده‌های لری این مقوله ۰,۹۷۳۷، و ضریب تنوع برای داده‌های لری این مقوله ۰,۴۰ است. میانگین برای داده‌های لکی این مقوله ۱,۹۴۱۱، انحراف معیار برای داده‌های لکی این مقوله ۰,۹۹۸ و ضریب تنوع برای داده‌های لکی این مقوله ۰,۵۱ است.

جدول ۱- اصطلاحات خویشاوندی

واژه	لری	لکی	واژه
پدر	/bow/?/æ/	۱	/bow/?/æ/
مادر	/da/ /dajæ/	۲	/da/ /dajæ/
برادر	/bera(r)/ /gæjæ/ - /gijæ/	۲	/bera(r)/
دختر	/doxt(d)æ/	۱	/det/
عمو	/?am u/ /tataæ/	۲	/?amu/
دایی	/da?i/ /halu/	۲	/da?i/
داماد	/doma/	۱	/zoma/ /doma/
عروس	/?ærus/ /beji/	۲	/?ærus/ /beji/
پدربزرگ (پدر مادر)	/bo?æ/ /papa/	۲	/bo?æ/ /papa/
خواهر	/xahær/ /dæjæ/ /xojæ/ - /xowær/	۳	/xojæ/ - /xowær/
عمه	/?æmæ/ /ketji/	۲	/?æm æ/ /mimi/ /ketji/
پسر	/rulæ/ /pesær/ /kow(?)æk/ /kor/	۴	/kor/ /kow(?)æk/ /pesær/ /rulæ/
بچه	/?owlad/ /rulæ/ /?ojl/ /bætjæ/	۴	/?ow lad/ /rulæ/ /?ojl/ /bætjæ/
خاله	/beti/ /xalæ/ /halæ/	۳	/mimi/ /xalæ/
شوهر	/pija/ /foohær/ /miræ/	۳	/pija/ /mirdæ/
پدربزرگ (پدر پدر)	/bo?æ/ /bowæ bowæm/ /papa/	۳	/bo?æ kælejæ/ /bo?æ/ /papa/
همسر (زن)	/?æjal/ /xanom/ /zinæ/ /zæn/	۴	/zæn/

برای روشن شدن شیوه حاصل شدن این رقم‌ها، لازم است توضیح دهیم که برای به دست آوردن ضریب تنوع، نخست میانگین (μ) را به دست می‌آوریم که حاصل جمع کل تحقق‌های واژگانی هر مقوله خاص، تقسیم بر شمار اعضای آن مقوله است. برای نمونه، در مقوله اصطلاحات خویشاوندی، ۱۷ واژه داریم که کل تحقق‌های واژگانی آنها در زبان لری ۴۱ واژه مختلف بوده است. چنانچه ۴۱ را بر ۱۷ تقسیم کنیم، میانگین تنوع واژگانی در این مقوله ۲,۴۱۱۷ می‌شود. پس از محاسبه میانگین، انحراف معیار (σ) را به دست می‌آوریم که برای این کار نخست تعداد تحقق واژگانی هر واژه (عدد موجود در جلوی هر واژه) را از میانگین کسر می‌کنیم و عدد حاصل را به توان دو می‌رسانیم؛ سپس حاصل این عملیات درباره تمام واژه‌های مقوله مورد نظر را با هم جمع می‌کنیم و حاصل را بر تعداد اعضای آن مقوله تقسیم می‌کنیم. برای نمونه، درباره مقوله اصطلاحات خویشاوندی زبان لری، انحراف معیار با طی فرایند زیر حاصل شده است:

$$\begin{aligned} & [(1-2,4117)^2 + (2-2,4117)^2 + (2-2,4117)^2 + (1-2,4117)^2 + (2-2,4117)^2 + (2-2,4117)^2 \\ & + (1-2,4117)^2 + (2-2,4117)^2 + (2-2,4117)^2 + (3-2,4117)^2 + (2-2,4117)^2 + (4-2,4117)^2 \\ & + (4-2,4117)^2 + (3-2,4117)^2 + (3-2,4117)^2 + (3-2,4117)^2 + (4-2,4117)^2] \div 17 = \\ & 0.9480968858 \end{aligned}$$

از عدد حاصل جذر گرفته می‌شود، تا انحراف معیار به دست آید:

$$\sigma = \sqrt{0.9480968858} = 0.9737$$

سرانجام انحراف معیار (σ) را بر میانگین (μ) تقسیم می‌کنیم تا ضریب تنوع (c_v) در مقوله مورد نظر حاصل شود:

$$c_v = \frac{0.9737}{2.4117} = 0.40$$

با دقت در داده‌های این مقوله، متوجه می‌شویم که در دسته واژگان خویشاوندی، واژه «پدر» در داده‌های دو زبان کمترین میزان تنوع را داشته است. نیز دیده می‌شود که واژه‌های «دایی»، «عمو»، «خاله» و «عمه» که در فارسی معیار برگرفته از زبان‌های ترکی^(۱۰) و عربی هستند (نک. استاجی، ۱۳۹۴: ۱۸)، در زبان‌های لری و لکی دارای برابری بومی هستند. همچنین دیده می‌شود که عنوان خویشاوندی /mimi/ هم درباره رابطه خویشاوندی خوهر/پدر یعنی «عمه» به کار برده می‌شود، هم درباره رابطه خویشاوندی خوهر/مادر، یعنی «خاله». واژه خویشاوندی «عروس» نیز که در فارسی معیار برگرفته از زبان عربی است (نک.

معین ۱۳۶۰: مدخل عروس)، در لری و لکی برابر /beji/ را نیز دارد که در برخی از زبان‌های ایرانی دیگر، همچون تالشی و تاتی، نیز کاربرد آن دیده می‌شود، البته با تلفظ‌های دیگری: در تالشی این واژه به صورت /vajju/ تلفظ می‌شود (نک. رضایتی کیشه‌خاله و خادمی ارده، ۱۳۸۷)، و در تاتی به صورت /vav/ (نک. سبزی‌پور، ۱۳۹۱) و /veju/ تلفظ می‌شود (نک. سبزی‌پور و یوسفی‌نژاد، ۱۳۹۶). نکته درخور توجه دیگر، کاربرد واژه /boʔæ kælejæ/ برای اشاره به «پدر بزرگ - پدر پدر» در زبان لکی است. معنای واژگانی این اصطلاح خویشاوندی، «پدر کلان» است که همانند برابر «پدر بزرگ» در فارسی افغانستان، یعنی «بابا کلان / پدر کلان» است (نک. افغانی‌نویس، ۱۳۶۹). کاربرد /ʔowlad/ در لری و لکی و /ʔæjal/ در لری، برای اشاره به «بچه» و «همسر» نیز از این نظر که اثرگذاری زبان عربی در حوزه واژه‌های مربوط به خانواده را نشان می‌دهد جالب توجه است. ورود این واژه‌ها و دیگر واژه‌های مربوط به امور خانواده، ازدواج و زناشویی از زبان عربی به زبان‌های ایرانی، نتیجه حاکم شدن مقررات فقه و شریعت اسلامی بر زندگی مردم ایران، پس از ورود اسلام به ایران بوده است.

۵-۲- واژه‌های مربوط به عینیت‌های طبیعی

تنوع واژگانی در مقوله واژه‌های مربوط به عینیت‌های طبیعی به صورتی است که در جدول ۲ دیده می‌شود. در داده‌های این مقوله، واژه «سنگ» بیشترین تنوع را در مقوله واژه‌های مربوط به عینیت‌های طبیعی دارد که عبارت‌اند از سه واژه متفاوت /bærd/t/، /kotʃek/ و /sæŋ/ که /kotʃek/ فقط در لکی و /sæŋ/ فقط در لری به کار رفته است. واژه‌های «ماه»، «شب»، «روز» و «باران» نیز دارای یک تحقق واژگانی هستند، چراکه صورت‌های مختلف آنها از ریشه واحدی هستند. چنانچه فرایندهایی که /va:/ و /setaræ/ را حاصل کرده‌اند نیز در نظر گرفته شود، واژه‌های «باد» و «ستاره» را نیز می‌توانیم دارای یک تحقق واژگانی بدانیم؛ بدین معنی که /va:/ در نتیجه عمل کرد فرایندی که /d/ را از آخر آن حذف کرده، و عملکرد فرایند سایشی‌شدگی که /b/ را به /v/ تبدیل کرده حاصل شده و بر این مبنا با /bad/ از یک ریشه است؛ و /ʔasaræ/ و /setaræ/ نیز ریشه واحدی دارند. تمایز واژگانی لری و لکی درباره واژه‌های «آتش»، و «برف» نیز مشهود است.

جدول ۲- واژه‌های مربوط به عینیت‌های طبیعی

واژه	لری	لکی	واژه
شب	/ʃo/ - /ʃeu/ - /ʃou/	/ʃo/ - /ʃeu/ - /ʃou/	۱
روز	/ruz/	/ruz/	۱
باران	/baro(n)/	/varo(n)/	۱
ستاره	/setaræ/ /ʔasaræ/	/ʔasaræ/	۲
باد	/bad/	/va:/	۱
خاک	/qæltʃu/ /xak/	/xak/	۲
برف	/bærf/	/vijer/	۱
خورشید	/ʔaftab/ /ʔæftou/	/huʔær/	۲
ماه	/ma/ /mæ/ - /mæh/	/ma/ /mojɪ/ - /mon/	۲
آتش	/ʔatæʃ/ /tæʃ/	/ʔager/	۲
سنگ	/sæŋ/ /bærd/t/	/kotʃek/ /bærd/t/	۲
میانگین لری: ۱,۵۴۵۴ انحراف معیاری لری: ۰,۴۷ ضریب تنوع لری: ۰,۴۰			
میانگین لکی: ۱,۱۸۱۸ انحراف معیار لکی: ۰,۳۸ ضریب تنوع لکی: ۰,۳۲			

۵-۳- واژه‌های مرتبط با بدن انسان

در مقوله واژه‌های مرتبط با بدن انسان، تنوع واژگانی به صورتی است که در جدول ۳ آمده است. در این مقوله، تنوع واژگانی واژه‌های «زبان» و «خون» در لری و لکی همانند است. اما در واژه‌های «چشم» و «دهان» تنوع لری از لکی بیشتر است. «چشم»، سه تحقق واژگانی داشته‌است: /tjæʃ/ /tjæʃ/ و /tʃim/ که دو واژه نخست خاص لری و واژه آخر خاص لکی است. دهان نیز سه تحقق واژگانی داشته‌است: /dæm/ /dijʊ/ - /dʊʊ/ و /qop/ که واژه نخست هم در لری به کار رفته هم در لکی، اما دو واژه دیگر خاص لری هستند.

جدول ۳- واژه‌های مرتبط با بدن انسان

واژه	لری	لکی	واژه
زبان	/zon/ - /zo/ - /zou/	/zon/ - /zo/ - /zou/	۲
	/zevʊn/ - /zoʔon/ - /zæbu/	/zevʊn/ - /zoʔon/ - /zæbu/	۲

۱	/xuʔin/	۱	/xin/ - /xi/	خون
۱	/tʃim/	۲	/tʃæf/ /tjæ/	چشم
۱	/dæm/	۳	/qop/ /dou/ - /dijʊ/ /dæm/	دهان
<p>میانگین لری: ۲ انحراف معیاری لری: ۰,۷۰ ضریب تنوع لری: ۰,۳۵ میانگین لکی: ۱,۲۵ انحراف معیار لکی: ۰,۴۳ ضریب تنوع: لکی: ۰,۳۵</p>				

۵-۴- مقولۀ واژگانی نام حیوانات

جدول ۴- مقولۀ واژگانی نام حیوانات

واژه	لری	لکی	واژه
بُز	/boz/	۱	/boz/
گرگی	/gorg/	۱	/gorg/
قاطر	/qater/	۱	/qater/
میش	/mi/ - /mij/	۱	/mi/ - /mij/
گاو	/ga/ - /gou/	۱	/ga/ - /gou/
کبوتر	/kæbuter/ - /kæmutær/	۱	/kæbuter/ - /kæmutær/
سگ	/sej/ - /sæg/	۱	/sæg/
خروس	/xorus/ /kælæfir/	۲	/kælæfir/
مرغ	/morq/x/	۱	/var/ /morq/x/
بره	/bæræ/	۱	/værk/g/
<p>میانگین لری: ۱,۱ انحراف معیاری لری: ۰,۳۰ ضریب تنوع لری: ۰,۲۷ میانگین لکی: ۱,۱ انحراف معیار لکی: ۰,۳۰ ضریب تنوع: لکی: ۰,۲۷</p>			

تنوع واژگانی در مقولۀ نام حیوانات، به صورتی است که در جدول ۴ دیده می‌شود. در این مقوله، تنوع واژگانی بسیار اندک است و در هر یک از دو زبان فقط در یک واژه تنوع دیده می‌شود: در لکی، دربارهٔ واژهٔ «مرغ» (/var/ /morq/x/) و در لری، دربارهٔ واژهٔ «خروس» (/xorus/ /kælæfir/). /var/ را گویش‌ور در معنای «مرغ» به کار برده‌است. این واژه در شماری از زبان‌های ایرانی، از جمله لکی و کردی، برای اشاره به مرغ جوان یا مرغی که به‌تازگی تخم‌گذار شده‌است، به کار می‌رود. با این همه، واژهٔ عمومی اشاره به جنس مادهٔ پرندهٔ

موردنظر، در گونه‌های زبانی بررسی شده در این پژوهش، /morq/x/ است. دربارهٔ برابر «خروس» نیز باید اشاره شود که در گونه‌های زبان لری و گونه‌های زبان لکی بررسی شده، واژه غالب /kælæʃir/ است که در گردی نیز به همین معنا به کار می‌رود (نک. مردوخ روحانی، ۱۳۹۲: مدخل خروس). بر این مبنا، می‌توان گفت که کاربرد /kælæʃir/ در گونه‌های لری لرستان به خاطر تماس با زبان لکی است، چون تا آنجا که نگارنده می‌داند در گونه‌های لری مناطق دیگر ایران واژه /kælæʃir/ کاربرد ندارد، بلکه «خروس» با تلفظ‌های محلی به کار برده می‌شود.

۵-۵- واژه‌های مربوط به گیاهان

جدول ۵- واژه‌های مربوط به گیاهان

واژه	لری	لکی	نوع و فراوانی
جو	/dʒoo/	/dʒoo/	۱
گل	/gol/	/gol/	۱
درخت	/dɛræxt/ /dar/	/dar/	۲
چوب	/himæ/ /tʃu/	/hizem/ /tʃu/	۲
هیزم	/tʃu/ /hizem/ /himæ/	/tʃu/ /hizem/	۳
برگ	/gelen dar/ /bærg/ - /b/v/ælg/ /pær/	/bærg/ - /b/v/ælg/	۳
بادام	/badom/ - /bajem/ - /baʔam/ - /lætæ/ /tʃendʒæ/ /badem/ /baʔem/	/baʔam/ - /badem/ - /baʔem/ /badom/ - /bajem/ /va:m/ - /vaʔem/	۳
میانگین لری: ۲,۱۴۲۸	انحراف معیاری لری: ۰,۸۳	ضریب تنوع لری: ۰,۳۹	
میانگین لکی: ۱,۴۲۸۵	انحراف معیار لکی: ۰,۴۹	ضریب تنوع: لکی: ۰,۳۵	

تنوع واژگانی در مقولهٔ واژه‌های مربوط به گیاهان به صورتی است که در جدول ۵ دیده می‌شود. در این مقوله، دو واژه «جو» و «گل» کمترین تنوع واژگانی را داشته‌اند، و در گونه‌های لری و لکی بررسی شده فقط یک تحقق واژگانی داشته‌اند. واژه «درخت» دارای دو تحقق واژگانی /dar/ و /dɛræxt/ بوده است. /dar/ که هم در لری به کار رفته هم در لکی، در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی زیاد دیگری نیز دیده می‌شود، برای نمونه گردی (نک. مردوخ روحانی، همان). «چوب» و «هیزم» در کل سه تحقق واژگانی داشته‌اند (/himæ/، /tʃu/ و /hizem/) که چگونگی

کاربرد آنها در لری و لکی در جدول ۵ دیده می‌شود. شباهتی که در تحقیق‌های واژگانی «چوب» و «هیزم» وجود دارد به خاطر پیوندی است که میان «چوب»، «هیزم» و «هیمه» برقرار است، و هر سه در زندگی روستایی و عشایری به عنوان منبعی برای تولید گرما به کار می‌روند. واژه «برگ» به صورت /pær/ /gelen dar/ و /b/v/ælg/ - /bærg/ دیده می‌شود که دو مورد نخست خاص زبان لری هستند. واژه «بادام»، در دو زبان در کل چهار معادل داشته‌است که در این میان، موارد /baʔem/ - /badem/ - /baʔam/ - /bajem/ - /badom/ (مشترک بین لری و لکی) و /vaʔem/ - /va:m/ (خاص زبان لکی) صرف نظر از دگرگونی‌های آوایی، با هم یکی هستند؛ اما /tʃendʒæ/ و /lætæ/ که فقط در داده‌های زبان لری دیده می‌شوند، دو واژه متفاوت هستند که مورد نخست در برخی از زبان‌ها و گویش‌های ایرانی (زبان گُردی، گویش همدانی، گویش ملایری) در معنای «تُخمه/ یکی از اجزای آجیل» به کار می‌رود.

۵-۶- واژه‌های مربوط به عینت‌های انسان‌ساز

جدول ۶- واژه‌های مربوط به عینت‌های انسان‌ساز

واژه	لری	لکی	واژه
پنیر	/pænir/	/pænir/	۱
نان	/non/ - /no/	/non/ - /no/	۱
خانه	/lir/ /ho/o/næ/	/mal/	۲
اجاق	/tezga/ - /tædʒga/ - /tæzga/ /ʔager/ /tæʃ/ /ʔewo/ /tʃalæ/ /tʃəraq/	/tezga/ - /tædʒga/ - /tæzga/ /ʔagerdon/ /ʔewo/ /konek/ /tʃəraq/ /ʔager/	۶
یوغ	/daredʒoft/ /dʒo/e/ft/ /juq/ - /ju/ /væ/i/zænæ/ /tʃon/	/væ/i/zænæ/ /daredʒoft/ /dʒo/e/ft/ /vezenæ dar/ /gæla/ /juq/ - /ju/ /darobærg/ /mezæn dʒeft/	۸
میانگین لری: ۳	انحراف معیاری لری: ۲,۰۹	ضریب تنوع لری: ۰,۷۰	
میانگین لکی: ۳,۴	انحراف معیار لکی: ۳,۰۰	ضریب تنوع لکی: ۰,۸۸	

در مقولهٔ واژه‌های مربوط به عینیت‌های انسان‌ساز، تنوع واژگانی به صورتی است که در جدول ۶ دیده می‌شود. در این مقوله دو واژهٔ «پنیر» و «نان»، در لری و لکی، و «خانه»، در لکی، هر یک با یک تحقق واژگانی، کمترین میزان تنوع را نشان داده‌اند. اما در واژه‌های مربوط به «اجاق» و «یوغ» در هر دو زبان تنوع واژگانی زیادی دیده می‌شود. «اجاق» در دو زبان در کل هشت تحقق واژگانی داشته‌است که بیشتر آنها با برابری «آتش» در لری و لکی مرتبط هستند: /tæzga/ /tæʒga/ («جایگاه آتش»)، /tæf/ («آتش»)، /ʔagerdon/ («آتشدان»)، /ʔager/ («آتش»). واژهٔ /tʃalæ/ نیز از این نظر به عنوان برابر «اجاق» به کار برده شده که به طور معمول در بسیاری از مناطق روستایی لرستان - و البته دیگر مناطق کشور - آتش، با هدف استفادهٔ بهینه‌تر از آن، در درون یک «چاله» برافروخته می‌شود. کاربرد /tʃəraq/ به عنوان برابر «اجاق» نیز به کارکرد مشترک «چراغ» و «اجاق» در تولید گرما مربوط است. در داده‌های بررسی شده، واژهٔ /konek/ خاص لکی و واژهٔ /tʃalæ/ خاص لری است. تنوع واژهٔ «یوغ» در لکی بیش از لری است. دربارهٔ این واژه نیز برخی از تحقیق‌های واژگانی مشترک بین دو لری و لکی بوده‌اند (برای نمونه، /dʒo/e/ft/ و /daredʒoft/، و برخی خاص هر یک از دو زبان (برای نمونه، /tʃon/ خاص لری، و /gæla/ خاص لکی).

۵-۷- ضمیرها، قیدهای اشاری - مکانی و ادات پرسشی

مقولهٔ دیگری از عناصر واژگانی که تنوع آنها در این پژوهش بررسی شده‌است، شامل گروهی از ضمیرها (من، تو، او، ما، شما، آنها)، دو قید اشاری - مکانی (اینجا، آنجا) و یک ادات پرسشی (کجا) می‌شود. تنوع واژگانی در این مقوله به صورتی است که در جدول ۷ آمده‌است. در این مقوله، ضمیرهای «من»، «تو»، «او» و «آنها» بدون هیچ‌گونه تنوعی در گونه‌های زبانی آبادی‌های مورد نظر این پژوهش هستند. ضمیرهای «ما» و «شما»، ادات پرسشی «کجا» و قیدهای اشاری - مکانی «اینجا» و «آنجا» نیز هر کدام سه تحقق واژگانی داشته‌اند.

جدول ۷- مقولهٔ ضمیرها، قیدهای اشاری-مکانی و ادات پرسشی

واژه	لری	لکی
من	/mæ/ - /mɛ/	/mæ/ - /mɛ/
تو	/to/	/to/

۱	/ʔo/	۱	/ʔo/	او
۱	/ʔo/ʔo/	۱	/ʔo/ʔo/	آنها
۲	/himæ/ ʔima/	۲	/ma/ ʔima/	ما
۱	/homæ/	۲	/ʔisa/ ʔsɛma/	شما
۲	/kuræ/ ʔku/	۲	/ku/ ʔkodʒa/	کجا
۲	/ʔerejæ - ʔiræ/	۲	/witʃe/ ʔitʃæ/	اینجا
۲	/verejæ - vərə/	۲	/wotʃe/ ʔu/ʔtʃe/	آنجا
میانگین لری: ۱,۵۵۵ انحراف معیاری لری: ۰,۵۰ ضریب تنوع لری: ۰,۳۲				
میانگین لکی: ۱,۴۴۴ انحراف معیار لکی: ۰,۵۰ ضریب تنوع: لکی: ۰,۳۴				

۵-۸- عدد‌ها

تنوع واژگانی در مقوله عدد‌ها به صورتی است که در جدول ۸ آمده است. همان گونه که در این جدول دیده می‌شود، در داده‌های این مقوله، در هیچ یک از دو زبان لری و لکی تنوعی دیده نمی‌شود؛ و از این رو، ضریب تنوع داده‌های هر یک از دو زبان (که طبق فرمول گفته شده در بالا محاسبه شده)، ۰,۰۰ است. به سخن دیگر، در این مقوله هیچ تنوع واژگانی در دو زبان لری و لکی وجود ندارد و فقط برخی تفاوت‌های لهجه‌ای و تلفظی در واژه‌ها دیده می‌شود.

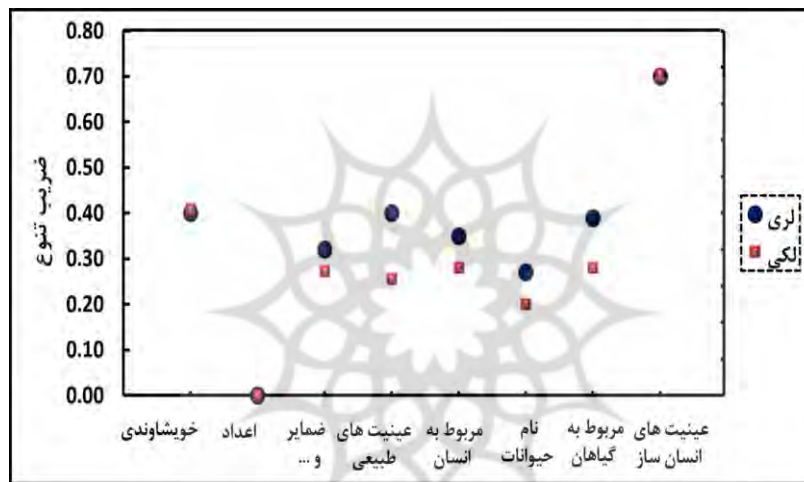
جدول ۸- مقوله عدد‌ها

واژه	لری	لکی
یک	/jæk/g/ - /jek/g/	/jæk/g/ - /jek/g/
دو	/do/ - /dʊ/	/do/ - /dʊ/
سه	/se/	/se/
چهار	/tʃæhar/ - /tʃar/	/tʃuʔar/ - /tʃar/
پنج	/pændʒ/	/pændʒ/
شش	/ʃæʃ/ - /ʃiʃ/	/ʃæʃ/ - /ʃiʃ/
هفت	/hæft/d/	/hæft/d/
هشت	/hæʃ/ - /hæʃt/d/	/hæʃ/ - /hæʃt/d/
نه	/no/ - /nu/	/no/ - /nu/

۱	/dæ/	۱	/dæ/	ده
۱	/bis(t/d)/	۱	/bis(t/d)/	بیست
۱	/sæd/	۱	/sæd/	صد
میانگین لری: ۱,۰۰		انحراف معیاری لری: ۰,۰۰		میانگین لکی: ۱,۰۰
میانگین لکی: ۰,۰۰		انحراف معیار لکی: ۰,۰۰		ضریب تنوع لری: ۰,۰۰
				ضریب تنوع لکی: ۰,۰۰

۶- نتیجه‌گیری

دسته‌بندی داده‌ها و تحلیل آنها در بخش پیشین، نکته‌های درخور توجهی را درباره تنوع واژگانی در آبادی‌های شهرستان خرم‌آباد بر ما آشکار می‌کند. نکته نخست، ضرایب تنوع مقوله‌های واژگانی هشتگانه پژوهش است که با توجه به ضرایبی که در بالا برای هر مقوله به دست آمد، در هر یک از دو زبان لری و لکی، رابطه میان آنها به صورتی است که در نمودار زیر دیده می‌شود.



بنابراین، با توجه به نتایج حاصل شده درباره تنوع واژگانی در مقوله‌های بررسی شده، در هر دو زبان لری و لکی در مقوله عددها ما هیچ‌گونه تنوع واژگانی نداشته‌ایم و از این رو این مقوله را می‌توان بنیادی‌ترین مقوله واژگانی در گونه‌های زبانی مورد نظر دانست. همچنین بیشترین میزان تنوع واژگانی، در هر دو زبان، در مقوله «واژه‌های مربوط به عینیت‌های انسان‌ساز» دیده می‌شود که این هم با توجه به تأثیری که محیط جغرافیایی و پیرامونی زندگی افراد در

شکل‌گیری چنین عینیت‌هایی دارد، قابل تبیین به نظر می‌رسد. می‌توان گفت که انجام پژوهش مشابه در دیگر مناطق ایران، و حتی در کشورهای دیگر، نتیجه مشابهی را درباره تنوع واژگانی عددها و واژه‌های مربوط به عینیت‌های انسان‌ساز به دست خواهد داد. همچنین چنانچه تمامی واژه‌های بررسی‌شده در این پژوهش را در پیوند با یکدیگر بسنجیم، خواهیم دید که واژه‌های «پدر»، «شب»، «روز»، «باران»، «بُز»، «گرگ»، «قاطر»، «میش»، «گاو»، «کبوتر»، «سگ»، «جو»، «گل»، «پنیر»، «نان»، «من»، «تو»، «او» و «آنها» نیز در داده‌های گونه‌های زبانی این پژوهش، همانند عددها، فاقد تنوع واژگانی‌اند، و از این‌رو آنها را هم می‌توان در شمار بنیادی‌ترین واژه‌های گونه‌های زبانی بررسی‌شده جای داد. چنانچه از برخی دگرگونی‌های آوایی که شکل واژه‌ها را تا حد زیادی دگرگون کرده‌اند صرف نظر کنیم، واژه‌هایی همچون «مادر» و «ستاره» که به ترتیب به دو صورت /dajæ/ و /da/ و /ʔasaræ/ و /setaræ/ در داده‌ها محقق شده‌اند را نیز می‌توان در شمار بنیادی‌ترین واژه‌های گونه‌های زبانی بررسی‌شده به شمار آورد. با این رویکرد، واژه‌های «باد»، «ماه»، «زبان»، «خون»، «سگ» و «ما» را نیز به جمع بنیادی‌ترین واژه‌های گونه‌های مورد نظر افزود.

از سوی دیگر، با توجه به میزان بالای داده‌های بررسی‌شده در این پژوهش، و شباهت‌هایی که در تنوع زبانی - گویشی دیگر مناطق استان لرستان با آبادی‌های بررسی‌شده وجود دارد، می‌توان نتایج این پژوهش را به کل این استان تعمیم داد، و پیش‌بینی کرد که میزان تنوع مقوله‌های واژگانی بررسی‌شده در این پژوهش در کل استان یکسان یا بسیار نزدیک به هم باشد. همچنین با توجه به آنکه شمار واژه‌های غیرایرانی^(۱۱) در داده‌های آبادی‌های بررسی‌شده بسیار اندک و محدود به چند واژه «خاله»، «عمه»، «عمو»، «عروس»، «اولاد» و «عیال» بوده‌است، می‌توان انتظار داشت که انجام پژوهش مشابه درباره دیگر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی که کمتر با زبان فارسی از سویی، و زبان‌های ترکی و عربی از سوی دیگر در تماس زبانی بوده‌اند، واژه‌های ایرانی مشابهی را بر ما آشکار کند. بر همین مبنا، می‌توان گفت که زبان‌های لری و لکی، به‌ویژه در آبادی‌هایی که کمتر با شهرها در ارتباط بوده‌اند، منابع دست‌نخورده و ارزشمندی هستند که در آنها گنجینه زبانی ایرانی حفظ شده‌است. همین نکته البته درباره گونه‌های زبان‌های کُردی، بلوچی، تالشی و ... که در شرایط مشابهی هستند نیز صادق است.

در داده‌های پژوهش، کاربرد واژه‌هایی همچون «خاله»، «عمه»، «عمو» و «دایی»، در کنار برابری بومی آنها درخور تأمل است. این نکته در پاسخ‌های گویشوران پژوهش نیز آشکار

است، آنچنان که در بسیاری از موارد، در پاسخ به مصاحبه‌کننده گفته شده‌است که قبلاً یا «قدیم» - برای نمونه - می‌گفتیم «بتی»، «کچی» یا «تاته»، اما الان می‌گوییم «خاله»، «عمه» یا «عمو». از سوی دیگر، با توجه به داده‌های پژوهش و نوع پاسخ‌هایی که گویشوران به پرسش‌های مصاحبه‌کننده داده‌اند، چنین می‌نماید که گرایش به کاربرد واژه‌های فارسی، در میان گویشوران گونه‌های مختلف زبان لری بیشتر از گویشوران زبان لکی است که این امر در چشم‌انداز کلی نشان می‌دهد که همگی این گونه‌های زبانی، دست‌کم در برخی از حوزه‌ها، در حال اثر پذیرفتن از فارسی معیار و کنار گذاشتن واژه‌های ایرانی خود، و کاربرد واژگانی هستند که زبان فارسی آنها را از زبان‌های غیرایرانی وام گرفته‌است. در چشم‌انداز محدودتر نیز چنین می‌نماید که اثرپذیری لری از فارسی بیشتر از اثرپذیری لکی از فارسی است.

بررسی داده‌های واژگانی آبادی‌های شهرستان خرم‌آباد، نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از واژگان گونه‌های لری و لکی این شهرستان مشترک هستند، به طوری که تنوع واژگانی و ضریب تنوع دو زبان در بیشتر مقوله‌های واژگانی بررسی شده در کل بسیار به هم نزدیک است. با این همه، برخی از واژه‌ها فقط در لکی به کار می‌روند و برخی فقط در لری (برای نمونه، در مقوله واژگانی نام حیوانات /bærae/ فقط در لری و /værk/g/ فقط در لکی به کار رفته؛ و در مقوله واژه‌های مربوط به عینیت‌های انسان‌ساز /ho/ʊ/næ/ و /lir/ فقط در لری و /mal/ فقط در لکی به کار رفته‌است). از این رو، با توجه به برخی واژه‌ها می‌توان لری یا لکی بودن زبان را تشخیص داد. در این میان، رابطه‌ای تلویحی می‌تواند میان کاربرد واژه‌هایی که واج /z/ در آنها به کار رفته‌است با لکی یا لری بودن گونه زبانی وجود داشته باشد، به گونه‌ای که کاربرد واج مذکور - در شماری از واژه‌ها - می‌تواند نشانه لکی بودن گونه زبانی و تبدیل آن به واجی همچون /z/ می‌تواند نشانه لری بودن آن باشد. این امر را در کاربرد /zæn/ و /tæzga/ در لکی و /zæn/ و /tezga/ در لری می‌توان دید. کاربرد /zoma/ نیز نشان‌دهنده لکی بودن گونه زبانی و کاربرد /doma/ نشان‌گر لری بودن گونه زبانی است. این نکته‌ها مؤید تعلق لکی و لری به دو زیرشاخه مختلف از زبان‌های ایرانی، یعنی ایرانی شمال غربی و ایرانی جنوب غربی است، چراکه یکی از ویژگی‌های متمایزکننده این دو شاخه از یکدیگر، کاربرد واج‌های /z/ و /z/ در زبان‌های ایرانی شمال غربی، و تبدیل آنها به واج‌های /z/ یا /d/ در زبان‌های ایرانی جنوب غربی است (نک. مکینزی، ۱۹۶۱).

همچنین، در داده‌های پژوهش، با توجه به کاربرد برخی ضمیرها، همچون /ʔisa/ و برخی تلفظ‌ها با اطمینان زیادی، می‌توان «بختیاری» را از «لری» بازشناخت.

با توجه به داده‌های پژوهش و گفت‌وگوهای آغازین مصاحبه‌کننده با گویشوران، می‌توان گفت که به لحاظ هویتی و قومی، تمایز لری - لکی نزد گویشوران هر دو زبان آشکار است، آنچنان که در برخی از آبادی‌های بررسی شده که هر دو زبان لری و لکی در آنها گویشور داشته‌اند، وقتی از گویشور دربارهٔ زبان آبادی پرسش می‌شود، با نام بردن از زبان خود، اشاره می‌کند که بخش دیگری از مردم آبادی نیز به لری یا لکی سخن می‌گویند. تمایز مشابهی را نیز در میان گونه‌های مختلف لری که در لرستان بدان‌ها سخن گفته می‌شود می‌تواند دید، به گونه‌ای که در آبادی‌هایی که دو گونه از زبان لری در آنها گویشور داشته‌است، وقتی که از گویشور دربارهٔ زبان آبادی پرسش می‌شود، برای نمونه، در پاسخ می‌گوید «زبان ما لری یا بالاگریوه‌ای یا پایونه است»، و عدهٔ دیگری هم هستند که زبانشان بختیاری است.

برخی اثرپذیری‌های واژگانی گونه‌های لری از زبان لکی در شهرستان خرم‌آباد مشهود است که همین باعث شده‌است در لری این منطقه عناصر واژگانی به کار رود که در گونه‌های لری دیگر مناطق ایران دیده نمی‌شود. از این میان، می‌توان به کاربرد واژهٔ /kælæʃir/ در گونه‌های لری این منطقه اشاره کرد که همان‌گونه که در بالا اشاره شد در کردی هم کاربرد دارد و به نظر می‌رسد که از زبان‌های ایرانی شمال غربی و از رهگذر لکی وارد لری منطقهٔ لرستان شده‌است، به‌ویژه که در کردی به عنوان برابر «خروس»، واژه‌های «که‌له‌باب» /kælæbab/ «که‌له‌کووک» /kælækook/ نیز ذکر شده‌است (نک. مردوخ روحانی، همان). از جنوب و خاور شهرستان خرم‌آباد، هرچه به سوی شمال و شمال باختری این شهرستان حرکت کنیم، از میزان آبادی‌های لری‌زبان کاسته می‌شود و بر شمار آبادی‌های لک‌زبان افزوده می‌شود، و به نظر می‌رسد در مناطق مرکزی این شهرستان که تماس زبانی لری و لکی بیشتر از دیگر مناطق آن است، اثرگذاری این دو زبان بر یکدیگر بیشتر است.

پی‌نوشت

۱. <https://www.amar.org.ir>

۲. IPA برای آوانویسی داده‌ها، از صفحه‌کلید برخط وبگاه زیر بهره گرفته شده‌است:

<https://westonruter.github.io/ipa-chart/keyboard/>

۳. دودمان صفویان، از سال ۸۸۰ تا ۱۱۱۴ خورشیدی، برابر با ۹۰۷ تا ۱۱۴۸ قمری و ۱۵۰۱ تا ۱۷۳۶ میلادی بر ایران حکومت کردند.

۴. افزون بر ادبیات شفاهی پُربار گونه‌های مختلف زبان لری، بخشی از ادبیات کتبی ایران نیز به این زبان نسبت داده می‌شود. برای نمونه، برخی بر این باورند که زبان دست‌کم بخشی از سروده‌های باباطاهر عریان لری است. طوسی، در مقاله‌ای زیر عنوان «فهلویات لری» می‌گوید «قدیمی‌ترین فهلویات که از زبان لری برای ما باقی مانده منسوب به باباطاهر عریان است...» (۱۳۳۷: ۱). البته طوسی اشاره می‌کند که «... آنچه امروز فهلویات لری مینامیم از حیث زبان بیارسی دری نزدیکتر است تا بزبان لری» (همان). آنچه طوسی در مقاله مذکور بررسی کرده، برگرفته از دو نسخه خطی مربوط به سده‌های هشتم و نهم در موزه قونیه و کتابخانه مجلس است. نکته‌ای که در بدو خواندن شعرهای بررسی‌شده از آن دو نسخه به ذهن می‌آید، این است که به غیر از همانندی برخی واژگان، همانندی چندانی میان زبان آنها با لری احساس نمی‌شود، و حتی همانندی آنها با زبان‌های لکی و کردی بیشتر است که این یا نشانی است بر آنکه لری نسبت به چند سده پیش بسیار دگرگون شده، یا نشانی بر آنکه شعرهای بررسی‌شده اصولاً از زبان ایرانی دیگری به غیر از لری هستند.

۵. برای نمونه، ژاک دُ مورگان (Jacques de Morgan)، در پژوهشی که زیر عنوان «مطالعات زبان‌شناسی، گویش‌های کُردی، زبان‌ها و گویش‌های شمال ایران» (Études Linguistiques, Dialectes Kurdes, Langues et Dialects du Nord de la Perse) در ۱۸۹۹ انجام داده (منتشرشده در ۱۹۰۴: ۴)، «گویش لکی» (dialecte Laki) «کل لرستان و پشت کوه» ("tout le Louristan et du Pouchté-kouh") را در شمار گویش‌های زبان کُردی ذکر کرده است.

۶. درباره زبان لکی، پژوهش چندانی انجام نگرفته است. از میان پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده، می‌توان به دبیرمقدم (۱۳۹۲) که وضعیت رده‌شناختی لکی را بررسی کرده، مرادی (۲۰۱۵) که درباره ساختار ساخت‌واژی و نحوی فعل در زبان لکی است، و تفکری رضائی و امیدی (۱۳۹۳) اشاره کرد که **پسوندهای فعلی** را در این زبان، با در نظر داشتن احتمال وجود ارگتیویتی در آن، بررسی کرده‌اند.

۷. تفاوت گونه‌های مختلف لری در استان لرستان بیشتر مبتنی بر تفاوت‌های لهجه‌ای و واژگانی و مجاورت با زبان‌های دیگر است. برای نمونه، گونه لری بالاگریوه به دلیل مجاورت با لکی، از این زبان اثر پذیرفته و همین برخی تمایزهای واژگانی را در آن نسبت به دیگر گونه‌های لری لرستان به وجود آورده است. اما تفاوت‌های «بختیاری» با «لری» از سطح تلفظی و واژگانی فراتر می‌رود و در سطح ساخت‌واژی و نحوی هم بین این دو تفاوت وجود دارد. برای نمونه، پسوند جمع در گونه‌های مختلفی از لری، a- است، اما در لری بختیاری، یکی از پسوندهای جمع‌ساز -gæl/-æel است. از همین رو، در لری "zæn" («زَن») به صورت "zænija" جمع بسته می‌شود، و در بختیاری به صورت "zængæl". به همین ترتیب، درحالی‌که در گونه‌هایی از لری و بختیاری برابر واژه «چشم» /tjæ/ است، برابر «چشم‌هایم» در لری /tjæm/ و در بختیاری /tjælom/ است. همچنین ضمیر سوم شخص مفرد، در واژه‌هایی همچون «بُردش» و «خوردش» در لری به صورت /j/ و در بختیاری به صورت /s/ تلفظ می‌شود.

۸. بخشی از تنوع زبانی - گویشی خرم‌آباد، حاصل قرار گرفتن این شهرستان در منطقه تماس دو زبان لری و لکی است. همان‌گونه که واینرایش / Weinreich (۱۹۵۳) در کتاب «زبان‌ها در موقعیت تماس: یافته‌ها و مسائل» (Languages in Contact: Findings and Problems) گفته است، قرار گرفتن در موقعیت تماس می‌تواند اثرپذیری‌های زبانی و فرهنگی گویشوران زبان‌هایی را در پی داشته باشد که در موقعیت تماس با یکدیگر قرار دارند. در منطقه مورد نظر این پژوهش نیز افزون بر اثرپذیری دو زبان لری و لکی از یکدیگر، دوزبانگی هم امری رایج است، به‌ویژه آنکه تماس جامعه‌های زبانی این دو زبان موجب ازدواج‌های مختلطی شده که زمینه فراگیری دو زبان را برای فرزندان خانواده‌های حاصل فراهم کرده است. بخشی از تنوع زبانی - گویشی شهرستان خرم‌آباد را نیز باید با توجه به تحولات چند دهه اخیر منطقه لرستان تبیین کرد. برای نمونه، کلکی و همکاران (همان: ۳-۲) درباره

یکجانشین شدن ایل‌ها و طایفه‌های خرم‌آباد اشاره‌ای دارند که علت وجود گونه‌های زبانی مختلف در برخی از آبادی‌های لرستان را بیان می‌کند:

تا اوایل پادشاهی اعلیحضرت فقید [رضاشاه] همه ایلها و طایفه‌های این بخش جادرنتشین بودند و تابستانها به سردسیر و زمستانها به گرمسیر کوچ می‌کردند. هنگامی که به فرمان آن شاهنشاه قرار شد که دهنشین بشوند هر زمین به افراد طایفه‌ای که در آن نشسته بود قسمت شد. در هنگام تقسیم اگر طایفه‌ای در گرمسیر بود از زمینهای گرمسیر به افراد او رسید و اگر در سردسیر بود از زمینهای سردسیر. در نتیجه دسته‌های کوچکی از لکها (آنهايي که به گویش لکی سخن می‌گویند) در میان لرها (آنهايي که به گویش لری سخن می‌گویند) و دسته‌هایی از لرها در میان لکها ماندند و تقریباً همه این دسته‌ها با آنکه در هم شدند، هنوز گویش پیشین خود را نگاه داشته‌اند.

۹. دستور کامل این تابع بدین صورت است: COUNTIF (range, criteria) =

۱۰. به باور کوستیچ (Kostić) (۱۹۹۷: ۱۴)، «دایی» برآمده از واژه «دای» فارسی نو به معنای «مادر» است که با فعل dhayati در زبان هندی-آریان کهن (Old Indo-Aryan) به معنای «مکیدن» پیوند دارد.

۱۱. در اینجا واژه «غیرایرانی» در مفهوم زبان‌شناسانه آن به کار رفته‌است؛ و منظور از «واژه‌های غیرایرانی»، واژه‌هایی هستند که به هیچ یک از زبان‌های شاخه ایرانی زبان‌های هندواروپایی تعلق ندارند و از خانواده زبانی دیگری وارد گونه‌های زبانی مورد نظر این پژوهش شده‌اند.

منابع

- استاجی، ا. ۱۳۹۴. «بررسی اصطلاحات خویشاوندی در زبان فارسی»، *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*، (۱۳): ۱-۱۹.
- افغانی‌نویس، ع. ۱۳۶۹. *لغات عامیانه فارسی افغانستان*، بلخ: موسسه تحقیقات و انتشارات بلخ.
- امان‌الهی بهاروند، س. ۱۳۷۹. «لرها: تحلیلی تاریخی - جامعه‌شناختی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ۶ (۶): ۲۲۱-۲۴۲.
- امان‌الهی بهاروند، س. ۱۳۹۳. *قوم لُر پژوهشی درباره پیوستگی قومی و پراکندگی جغرافیایی لرها در ایران*، تهران: آگه.
- ایزدینپناه، ح. ۱۳۸۱. *فرهنگ لری*، تهران: اساطیر.
- پشت‌دار، ع. ۱۳۷۶. «لرها و لرستان از دیدگاه ولادمیر مینورسکی»، *ایران‌شناخت*، (۷): ۱۶۰-۱۸۳.
- تفکری رضائی، ش. و ع. امیدی ۱۹۹۳. «پسوندهای فعلی در گویش لکی: ساخت ارگتیوو، مطابقه فاعلی یا ضمیر پیوسته؟»، *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، (۱): ۳۷-۵۵.
- حصوری، ع. ۱۳۴۲. *گزارش گویش‌های لری*، تهران: کتابخانه طهوری.
- دبیرمقدم، م. ۱۳۹۲. *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی*، تهران: سمت.
- رضایتی کیشه‌خاله، م. ا. خادمی ارده ۱۳۷۸. *فرهنگ موضوعی تالشی به فارسی*، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.

- زرین جویی، م. ۱۳۹۶. گزارش گردآوری و مستندسازی گویش‌های محلی شهرستان خرم‌آباد، تهران: پژوهشکده، زبان‌شناسی، کتیبه‌ها و متون، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.
- سبزعلی‌پور، ج. ۱۳۹۱. فرهنگ تاتی دروی، رشت: فرهنگ ایلیا.
- سبزعلی‌پور، ج. ع. یوسفی‌نژاد کرنق ۱۳۹۶. فرهنگ تاتی کرتقی، رشت: فرهنگ ایلیا.
- طوسی، ا. ۱۳۳۷. «فهلویات لری»، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، (۴۵): ۱-۱۶.
- کیا، ص. ۱۳۴۰. راهنمای گردآوری گویش‌ها، تهران: انتشارات اداره فرهنگ عامه.
- لُکوک، پ. ۱۳۹۳. «گویش‌های جنوب غرب ایران»، راهنمای زبان‌های ایرانی، جلد دوم: زبان‌های ایرانی نو، ویراستار رودریگر اشمیت، ترجمه فارسی زیر نظر ح. رضائی باغبیدی، مترجمان: آ. بختیاری، ع. بهرامی، ح. رضائی باغبیدی و ن. صالحی‌نیا، تهران: انتشارات ققنوس، ۵۶۳-۵۷۶.
- مردوخ روحانی، م. ۱۳۹۲. فرهنگ فارسی-کردی، سمنج: دانشگاه کردستان.
- مستوفی، ح. ۱۳۹۴. تاریخ گزیده، با اهتمام ع. نوائی، تهران: امیرکبیر.
- مستوفی قزوینی، ح. ۱۳۸۹. نزهه‌القلوب، مقاله‌الثالثه در وصف بلدان و ولایات و بقاع، تصحیح و تحشیه گای لیسترانج، تهران: اساطیر.
- معین، م. ۱۳۶۰. فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
- کلکی، ب. ح. نادری و ی. مجیدزاده (۱۳۴۳). «آگاهی‌هایی درباره ایل‌ها و طایفه‌های لر خرم‌آباد»، هنر و مردم، مرداد ۱۳۴۳، (۲۲): ۲-۷.
- وارداف، ر. ۱۳۹۳. درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان، ترجمه ر. امینی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و نشر بوکا.
- Anonby, E. J. 2003. "Update on Luri: How many Languages?", *JRAS*, Seris, (13): 171-197.
- Anonby, E. J. 2004/2005. "Kurdish or Luri? Laki's disputed identity in the Luristan province of Iran", *Kurdische Studien*, (4+5): 7-22.
- Fattah, I. K. 2000. *Les Dialectes Kurdes Meridionaux: Etude Linguistique et Dialectologique (ACTA Iranica)*, Leuven: N. V. Peeters.
- Geeraerts, D. 2018. *Ten Lectures on Cognitive Sociolinguistics*, Leiden: Brill.
- Geeraerts, D., S. Grondelaers, P. Bakema 1994. *The Structure of Lexical Variation: Meaning, Naming, and Context*, Berlin: Mouton de Gruyter.
- Kostić, S. 1997. "Structure and Origin of the Kinship Terminology in Roma's Language", *Asian and African Studies*, (6): 9-20.
- Mackenzie, D. N. 1961. "The Origins of Kurdish", *Transactions of the Philological Society*, Vol. 60, Issue 1.
- McCarus, E. N. 2009. "Kurdish", in *The Iranian Language*, (edited by Gernot Windfuhr), London: Routledge.

- Moradi, S. 2015. *Laki Verbal Morphosyntax*, MA thesis in Linguistics Theory and Typology, Lexington, Kentucky: University of Kentucky.
- Morgan, J. MCMIV/1904. *Études Linguistiques, Dialectes Kurdes, Langues et Dialects du Nord de la Perse*, Paris: Imprimerie Nationale.
- Swadesh, M. 1971. *The Origin and Diversification of Language*, Joel Sherzer (edt.), forwaed by Dell Hymes, Chicago: Aldine-Atherton.
- Weinreich, U. 1953. *Languages in Contact: Findings and Problems*, The Hauge: Mouton Publishers.



Lexical Variation in Villages of Khorramabad

Reza Amini¹

Received: 2021/01/25

Accepted: 2021/06/12

Abstract

This research is about lexical variation in Khorramabad county of Lorestan province. The data come from the data gathered for Linguistic Atlas of Lorestan. The data are categorized as *kinship terms*, *words related to natural objects*, *words related to human*, *animal names*, *words related to plants*, *words related to human-made objects*, *pronouns*, *demonstrative – place adverbs*, *question words*, and *numbers*. The language varieties of the villages whose data are analyzed in this research are varieties of Lori and Laki languages for which the coefficient of variation is calculated and analyzed separately. We see not only considerable language variation in Khorramabad, but also many lexical differences in the varieties used in villages of the county. Findings indicate that in both Lori and Laki, the category of number has the least coefficient of variation, and the category of words related to human-made objects has the largest coefficient of variation. The analysis of the data also shows that words for “atee”, “laguage”, “rr ea”, and “bloo” have had the least variation in language varieties whose data have been analyzed in this research, so they can be considered as the most basic words of those language varieties.

Keywords: Language variety, Coefficient of variation, Lori, Laki, Linguistic variation, Lorestan.

1. Introduction

In sociolinguistics, dialectology is divided into two main branches, regional dialectology and social dialectology. The main purpose of regional dialectology is studying and documenting language varieties of a particular region, while the purpose of social dialectology is to do the

1. Assistant Professor of Linguistics, The Cultural Heritage and Tourism Research Institute, Tehran, Iran. * Email: r.amini@richt.ir

same task about the language varieties of social classes. Based on this categorization, dialects are also divided into "regional dialects" and "social dialects". In Iran, attention to the importance of collecting data of the country's different dialects and the need to prepare an atlas for Iran's languages and dialects has been known by researchers since several decades ago. Lorestan is among the provinces that the *Research Institute for Cultural Heritage and Tourism* has started collectig its village'’ aata to prepare the linguistic atlas of the province as a part of Iran's linguistic atlas. Based on these data, in this article, lexical variation of the language varieties of the villages of Khorramabad, the capital of Lorestan province, is analyzed and explained.

2. Theoretical Framework

Geeraerts et al. (1994: 3-4) have categorized lexical variation into four categories: "semasiological variation", "onomasiological variation", "contextual variation", and "formal variation". The lexical variation considered in this study is "formal variation" that is a "... situation that a particular referent or type of referent may be named by various lexical items, regardless of whether these represent conceptually different categories or not". In this type of lexical variation, a specific thing, relationship, or concept may be referred to by different lexical items. Such variations are seen in all languages and they can be explained via considering social, historical, geographical, and stylistic factors.

3. Methodology

The data of this research have been collected in a field work, using a questionnaire and through face-to-face interviews with the speakers. The questionnaire included a group of words and sentences. The words and sentences are selected in a way that different lexical categories of the language variety in question and its different linguistic structures can be extracted. During the interviews, the data were recorded with the permission of the speakers. Then, using the *International Phonetic Alphabet (IPA)* the data is transcribed. Then, the data are categorized, and studied and analyzed as *kinship terms, words related to natural objects, words related to human, animal names, words related to plants, words related to human-made objects, pronouns, demonstrative-place adverbs, question words and numbers.*

4. Results & Discussions

Investigation of lexical variation in the eight lexical categories of this study shows that in both Lori and Laki languages, there is no variation in the

category of number and therefore this category can be considered as the most fundamental lexical category. Also, the greatest lexical variation, in both languages, can be seen in the category of "words related to human-made objects", that can be explained via consideration of the effect of the geographical environment in which individuals live has on the formation of those entities. A large part of the words of Lori and Laki language varieties of Khorramabad county are common. However, some words are used only in Laki and some only in Lori. As a result, by paying attention to some words, it is possible to know whether the variety in question is Lori or Laki. In addition, there may be an implicative relationship between the use of some words in which phonemes of /z/ and /ʒ/ are used, in a way that - in a number of words - the use of /z/ can be a sign of the variety being Lori, and the use of /ʒ/ can be a sign of the variety being Laki (for example, the use of *zæn* 'woaa n' and *tezaa* 'sstoee' in Lrr i *ʒæn* 'wɔman' and *tægga* 'stove' in Lak). These points confirm that Laki and Lrr i belong to two different subbranches of Iranian languages, Northwestern Iranian and Southwestern Iranian respectively.

5. Conclusions & Suggestions

Investigation of lexical variation in the two Iranian languages whose data were studied in this research shows that although language contact has affected the language varieties of the region, they have retained a number of their distinguishing features. Some lexical impacts of Laki on Lori varieties of Khorramabad county are evident, that is why some lexical items used in Lori of the region cannot be seen in other varieties of Lori in other regions of Iran. Among these lexical items, we can mention the use of the word *kælæfir* 'rooster' in Lori varieties of the region which seems to have entered the Lori of the region of Lorestan from the northwestern Iranian languages through Laki.

Select Bibliography

- Amanolahi Baharvand, S. 2000. Lurs: A Historical and Sociological Analysis, *Quarterly of National Studies*, No. 6, 221-242. [In Persian]
- Anonby, E. J. 2003. Update on Luri: How many Languages?, *JRAS*, Series, (13), 171-197.
- Dabirmoghadam, M. 2013. *Typology of Iranian Languages*, Volume 2, Tehran: SAMT. [In Persian]
- Geeraerts, D., S. Grondelaers, P. Bakema 1994. *The Structure of Lexical Variation: Meaning, Naming, and Context*, Berlin: Mouton de Gruyter.

- Izadpanah, H. 2001. *Dictionary of Lori*, Tehran: Asatir Publication. [In Persian]
- Mackenzie, D. N. 1961. The Origins of Kurdish, *Transactions of the Philological Society*, Vol. 60, Issue 1.
- Morgan, J. MCMIV/1904. *Études Linguistiques, Dialectes Kurdes, Langues et Dialectes du Nord de la Perse*, Paris: Imprimerie Nationale.
- Rezayati Kishekhaleh, Moharram, A. Khademi Arde 1998. *Thematic Dictionary of Taleshi – Persian*, Rasht: Gilan University Publication. [In Persian]
- Swadesh, M. 1971. *The Origin and Diversification of Language*, Joel Sherzer (ed.), foreword by Dell Hymes, Chicago: Aldine-Atherton.
- Zarinjuyi, M. 2017. *Report of Gathering and Documentation of Regional Dialects of Khorramabad*, Tehran: Research Institute for Cultural Heritage and Tourism, Faculty of Linguistics, Inscriptions, and Texts. [In Persian]

